

«مروارید پنهان» میراث از یاد رفته

گابریل سنگو

مترجم: سیدحامد حاج شمسای

تاریخچه

مردم بین‌النهرین نژادی صمیم در خاورمیانه بودند که نقش بزرگی در تمدنهای جهانی ایفا کردند. به‌ویژه زبان آنها، زبان آرامی، که به عنوان زبان مسیحیت شناخته می‌شود. آرامیه‌ها حدود ۲۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح شناخته شدند. دانشمندان بین‌النهرین در زمان خود بهترین بودند. آنها هنر، نور که در الهیات مطالعه داشتند، در امور ملای نیز کتکشی و پژوهش می‌نمودند. به‌طور مثال، نر پزشکی قدیم، آرامیه‌ها سرآمد بودند؛ همچنان که در باب علوم، چون فلسفه، فیزیک و ستاره‌شناسی نیز مطالعات گسترده‌ای داشتند. دانش یونانیان از طریق آرامیه‌ها به زبان عربی ترجمه می‌شد. زبان سریانی (آرامی) هنوز هم در نیایشهایی که در کلیساهای گوناگون انجام می‌شود، به کار می‌رود و در بعضی جوامع نیز صحبت می‌شود. این زبان نقیسه اساسی در قبل و بعد از پیدایش مسیحیت ایفا نموده است. بعد از ظهور عیسی مسیح، آرامیه‌ها آموزه‌های ری را پذیرفتند و با کمک خواریز و یهودیان تازه مسیحی شده کلیسای سریانی (آنتیوخ)؛ مسیحیت را در بین خود گسترش دادند. آرامیه‌های سلمی مسیحی شدند برای آنکه؛ آرامیه‌های یهودی متمایز شوند و به واژه یونانی «Syrians» تغییر نام دادند. برای روشن شدن تشابه اسمی موجود نقل قولی از یک یونانی مشهور و از یک مورخ سریانی آورده می‌شود:

مردمی که ما یونانیها به سوری می‌شناسیم، در بین خود آنها با نام آرامی شناخته می‌شوند... مردم ساکن سوریه آرامیه‌ها هستند.^۵

بین‌النهرین که در زبان عبری به نام «آرام - نهریم» شناخته شده است، به معنای سرزمین میان دو رودخانه است. مردمان این منطقه - که مرید تمدن باستان است - هزاران سال در حالی در آنجا زیست‌اند که همواره مورد شکنجه و کشتار نژادی قرار گرفته‌اند و هم‌اکنون نیز از پاکسازی نژادی مردم و رژیمهای متعصب خاورمیانه، در امان نیستند. انانئ ژ زمانی که به حاشیه کشیده شدند تاکنون، توانست‌اند آثار تاریخی و معماری خود را حفظ و بازایی کنند. همچنین توان آن را نیافته‌اند که کلیساها و صومعه‌هایی را که گوله حضور چندین‌ساله آنها در منطقه بین‌النهرین است بازسازی نمایند و حتی زبان ملاری خود را ازادانه آموزش دهند.

کشورهایی که درسدت تخریب میراث غنی بین‌النهرین هستند، از یک سیاست کلی پیروی می‌کنند. مبنی بر اینکه: «هر که زبان خود را از دست دهد، تاریخ و منبع خود را فراموش خواهد کرد.»

ساکنان اصیل آرام نهریم اکنون با سرزمین خود بیگانه‌اند. آنها در بیشتر کشورهای خاورمیانه، به‌عنوان مردم بومی بین‌النهرین شناخته نمی‌شوند و نمی‌توانند ازادانه زندگی کنند. امروزه تاحدی حقوق بشر در مورد آنها نقض می‌شود که گله ازادیه‌های مشروعشان نیز زیر سؤل برده می‌شود.

در این مقاله ابتدا مروری تاریخی بر سرزمین بین‌النهرین صورت می‌گیرد و سپس اوضاع کنونی مردم آن بیان می‌شود.

پادشاهانی که در روزگار باستان بر نژاد آرامی، یعنی نوادگان آرام، به سلطنت رسیدند مردمان سوری نامیده می‌شوند.^۶ متأسفانه نقش جدید واژه «Syrians» - سوریها - بار معنایی کاملاً متفاوتی از کشور کنونی عربی سوریه دارد. به این دلیل کلیسای سوری آنتیوخ با واژه سریانی سازگار شد تا مردمان بین‌النهرین از اعراب کنونی مشخص شوند. قبلاً واژه «Syriac» - سریانی - در مورد زبان سریانی استفاده می‌شد که یک لهجه آرامی است. هر چند باید به این نکته توجه شود که مردم بومی و اصیل آرامی مدت مدیدی پیش از تسلط اعراب بر بین‌النهرین قرن ۷ میلادی در این سرزمین می‌زیستند تاریخ بین‌النهرین خیلی پیش از پیدایش دیگر گروهها و مردمان دیگر خاورمیانه از قبیل ترکها، کردها و اعراب آغاز شد. با این وجود آنها مدعی‌اند که مالکان حقیقی آرام نهریم هستند و به این خاطر حقوق بشر و امتیازات مردم بومی آرامی را نادیده می‌گیرند. برای آنکه اشاراتی به لایحه جهل و تبعیض نژادی شود نمونه‌ای آورده می‌شود: در ترکیه مردم بین‌النهرین به عنوان اقلیت رسمی شناخته نمی‌شوند. آنها همچنین نمی‌توانند زبان کهن آرامی (سریانی) را بیاموزند. این موضوع غیر قابل درک است. زیرا تاریخ آرامی یک تاریخ غنی ۳۰۰۰ ساله است که به تازگی در پروژه چندرسانه‌ای^۷ به نام «مروارید پنهان» ضبط شده است.

موقعیت فعلی مردم آرامی (سریانی)

بعد از پذیرش مذهب مسیحی، مردم آرامی همواره کوشیدند صلح‌جویانه و برابری با مردم هم‌ناحیه خود زندگی کنند و با آنها با احترام متقابل رفتار کنند و از قوانین کشورهایشان پیروی کنند و واقعیت تاریخی اندوهناک است

چرا که همسایگان آرام نهریم به بلوغی رسیدند که مفاهیمی چون عشق، برابری، مناعت و زندگی با یکدیگر در برابری و براساس احترام به عقاید یکدیگر را درک کنند نتیجه عدم تحمل مخالف توسط همسایگان بین‌النهرین این بوده است که این مردم به نسل کشیها، پاکسازی نژادی و شکنجه تن در دادند و قربانی سرتقی شدند که رژیمها و مردم خاورمیانه در طول صدها سال گذشته، به‌منظور نابودی آنها از روی کره خاکی، انجام دادند. اوج ترور و شکنجه علیه آرامیهای بین‌النهرین در سالها ۱۵-۱۹۱۴ میلادی انجام شد؛ هنگامی که حدود ۶۰۰۰۰۰ تن از آنان به‌طور وحشیانه‌ای قتل عام شدند و این در حالی بود که آنان تنها تشنه عدالت بودند. در نتیجه این کشتار، مردم بین‌النهرین بیش از پیش و به‌طور غم‌انگیزی تضعیف شدند. شاید نتوان فرد مشخصی را در این حادثه مقصر دانست؛ اما این حقیقتی آشکار است که مردم بین‌النهرین لطمه‌ای چندین ساله از این حادثه خوردند. هر چند که واقعیت تاریخ تا ابد پوشیده نخواهد ماند. از طرف دیگر، گزارشی از یکی از شاهان این قتل عام وجود دارد که او، عبدالمسیح نیومان کربلسی^۸ نام دارد و دانشجوی زبان آرامی در یکی از معابد سریانی در جنوب شرقی ترکیه بود. براساس این گزارش، قتل عام به‌طور سیستماتیک به‌موسیسه سربازان ترک و با همکاری رهبران کرد سازماندهی و اجرا شده بود.



با این قتل عام - که زخمهای عمیق و فراموش‌نشده‌ای بر مردمان بین‌النهرین به جا نهاد - که برای نسل‌های بعدی یکی از قدیمیترین مرزهای سلمی موجود در جهان انجام شد تبعیض و کشتار متوقف نشد بلکه بدون توجه به جهان اطراف به شکل منسجم‌تر، ماهرانه‌تر و در فضای خاموش ادامه یافت. به‌طوری که تعداد زیادی از آرامیهای بین‌النهرین مجبور شدند به سمت غرب فرار کنند و به سرزمین مذهبی و دیار پریشانی پشت کنند جایی که هزاران سال در آنجا ساکن بودند.

به‌طور مثال، حدود سی سال پیش، در تور آبلین^۹، در جنوب شرقی ترکیه حدود هفتاد هزار نفر آرامی می‌زیستند که امروزه به‌کمتر از نود هزار نفر کاهش یافته‌اند.

نکته غم‌انگیزی که باید به آن توجه کرد این است که گروهها و رژیمهای افراط‌گرا در خاورمیانه نه تنها به ساکنان بین‌النهرین، ستمهای فراوان روا داشتند بلکه تلاش کردند تا تاریخ آنان را تغییر دهند تا بر ایشان غلبه کنند. همچنین مبلغان مذهبی غربی که گمان می‌رفت قابل اطمینان و حامی مردم بین‌النهرین باشند با ایجاد اختلاف و دامن زدن به غمهای این مردم، به نام ایمان و مذهب بهشت به آنان آسیب رساندند. اگرچه نام این مردم و تاریخ آنها به کمک پژوهشگران بزرگ کلیسای سریانی آنتیوخ، به خوبی مستند

شده است؛ مبلغان کلیسای کاتولیک روم و کلیسای انگلیس حس کردند ضروری است که نامهای اسطوره‌ای را به فرهنگ مردم بین‌النهرین تزیین کنند تا در رسانه‌های این مردم به‌گونه‌ای جلوه داده شوند که توان اثاره خود را ندارند. ضروری است که درباره رفتار مبلغان مذهبی غربی در

خاورمیانه در قرون ۱۹ و ۲۰ سخن به میان آورده شود. در ۱۵۵۱ کلیسای سریانی شرقی (نسطوری)^{۱۰} به واسطه فعالیت‌های مبلغان مذهبی کلیسای کاتولیک روم، به دو گروه تقسیم شد. یک جزء آن در ۱۵۵۲ با کلیسای کاتولیک متحد شد و با نام جدید کلیسای کلانی معرفی شد. در قرن ۱۹ پروسه مشابیهی اتفاق افتاد که طی آن مبلغان کلیسای انگلیس با جزء دوم کلیسای سریانی شرقی متحد شدند. آنها نام کلیسا را تغییر ندادند در عوض به‌شدت بر مردم تأثیر گذاشتند تا خود را آشوری ببلانند و نه سریانی (آرامی). آنان از این طریق، درصد تضعیف و نابودی فرهنگی غنی این مردم بودند. یگانگان تعاریف اسطوره‌ای و درندگی در خصوص مردم بین‌النهرین ایجاد کردند. یگانگانی که تا امروز از وجود «مروارید پنهان» بی‌خبر مانده‌اند پروژهای که زیر شکنجه‌ها و پاکسازی نژادی در قرون گذشته ملغون شده است. این تعاریف اسطوره‌ای با حقایق تاریخی همخوانی نداشته است. حقایقی که مورخان بزرگ کلیسای آنتیوخ بر آن صحه نهاده‌اند همانها که با داشتن الهیات و نیز علوم ملای در جهان زمان خود روشنگری کرده‌اند.

به دلایل ذکر شده هر زمان که مردم بین‌النهرین، بدون رضایت با نامی جز آرامی (سریانی) شناخته می‌شوند اعمال درندگ مبلغان مذهبی غربی در خاورمیانه یادآوری می‌شود که عاملی برای ایجاد

اختلاف و شکمشکوش بودند. لذا بسیاری تفسرانگیز است که امروزه هنوز کسانی هستند که با هر ابزار ممکن سعی در حفظ هویت اسطوره‌ای دارند (چیزی که بیگانگان آن را خلق کردند) هویتی که برای انتشار خبری بی‌سلس دربارہ اصالت مردم آرامی (سریانی)، مطرح شده است تا به موجب آن، میراث گرانبهای این مردم و زبان آرامی (سریانی) را تحریف کنند.

با وجود قتل عامها و شکنجه‌های فراوان در طول قرن‌ها، و با وجود تلاشهای کسانی که برادران مردم آرامی انگاشته می‌شدند، برای اختلاف افکندن میان آنها، با وجود تلاشهای کسانی که کوشیدند تاریخ آنها را به غلط نشان دهند و با وجود غلبه اعراب، کردها و ترکها بر این مردم، آنها به‌طور معجزه‌آسایی به حیات خود ادامه دادند. هر چند که در این راه بسیار تضعیف شدند. یکی از دلایل این بهانه انعطاف‌پذیری شگفت‌انگیزی بود که این مردم صلح‌جو در هر موقعیتی که قرار گرفتند، از خود بروز دادند. راهبان نیز در صومعه‌ها تنها به مذهب پرداختند و این بسیار مهم بود. فرهنگ و تاریخی که این مردم اصیل بنیان نهادند در سخت‌ترین موقعیتهای که گاه حتی زندگی آنها را به مخاطره می‌انداخت، حفظ شد. اقوام و رژیمهای، مردم بی‌دفاع آرامی را تحت شکنجه، قتل عام و نسل‌کشی قرار دادند که در دایره لغات آنها، کلماتی چون صلح، برادری و احترام به چشم نمی‌خورد.

اهداف S.U.A عبارتند از:

1. معرفی سریانیها به جهانیان و حمایت از حقوق بشری آنها
2. حمایت و ترویج زبان سریانی (آرامی)، رسوم و میراث آنها در پروژه چندرسانه‌ای «مروارید پنهان»
3. آگاهسازی سریانیها (آرامیها) از میراث گرانبه‌ایشان و ترویج وحدت در میان فرقه‌های منهدبی سریانی بر پایه این میراث
4. جلوگیری از نابودی مردم سریانی
5. تضمین آزادی و برابری مردم سریانی در بین مردم دیگر کشورها

<http://sor/cua.edu/pub/brockHPearl/index.htm>
the Hidden Pearl : h

<http://www.naharaim.org/film-arameans.htm>

<http://www.aram> : Tur Abdin

زبان سریانی کوههایی است که تم خدمتکاران خلوند بر آنها نهاده شده است که این نام به‌مخاطر حضور قاطع و

کوبنده صومعه‌ها و کلیساها در آن انتخاب شده است.

۱. مقاله حاضر را برگزار GabrielSengo در نشست کمیسیون ترویج و حمایت از حقوق بشر، که در تاریخ ۲۷/۳/۲۰۰۲ در کشور سوئیس برگزار گردید، لایحه نموده است. عنوان مقاله به انتخاب مترجم است.

2. Aram Naharaim
3. Arameans
4. The Syrian Church of Antioch
5. Posidonius (ca. 150 B. C.)
6. St. Michael the Great (1199 A.D.)
7. Multimedia
8. Abdel Messih Numan Karabasi
9. Tur Abdin
10. The East - Syriac (Nestorian) Church
11. Syriac Orthodox Church (Mother Church)
12. Syriac Maronite Church
13. Syriac Melkite Church
14. East-Syriac Nestorian Church
15. East - Syriac Caldean Church



در میان آرامیها، سیاستهای محدودکننده و قانونی، به‌نام مسیح، به اجرا درآمد که آنها را تضعیف نمود و به فرقه‌های مذهبی گوناگون تقسیم کرد. با ذکر دلایل جغرافیایی، آرامیهایی که در امپراطوری روم (که بعدها ییزانس نام گرفت) می‌زیستند سریانیهای غربی نامیده شدند و آنها که در امپراطوری پارت (که از ۲۲۶ میلادی، ساسانی یا پارسی نام گرفت) زندگی می‌کردند سریانی شرقی نامیده شدند. هر چند آمار دقیقی از تعداد آرامیهای موجود در دست نیست به‌طور تقریبی می‌توان گفت که ۴ میلیون آرامی در سرتاسر جهان با فرقه‌های گوناگون مسیحی وجود دارد که عبارتند از:

کلیسای ارتدوکس سریانی (کلیسای ملار)^{۱۱}، کلیسای کثولیک سریانی، کلیسای مارونی سریانی^{۱۲} (که در لبنان است)، کلیسای ملکات سریانی^{۱۳}، کلیسای نسطوری سریانی شرقی^{۱۴} (از ۱۹۷۶ آشوری) کلیسای کلدانی سریانی شرقی^{۱۵}.

تعداد زیادی از این جوامع هنوز به زبان سریانی (آرامی) سخن می‌گویند و آن را در عبادتشان به‌کار می‌برند تا میراث خود را حفظ کنند. در خاورمیانه، آرامیها را می‌توان در کشورهای ایران، عراق، ترکیه سوریه، لبنان، اسرائیل و اردن یافت.

آرامیهای سامی، مردمان متفکر، دموکرات و صلح‌جوی هستند که با زبانی مقدس و میراثی گرانبها بی‌خامنان شلغاند میراثی که به فراموشی سپرده شده نایده انگاشته شده و از سرزمین آنها به سرقت برده شده است.

اتحادیه جهانی سریانی (S.U.A)